

تعامل علوم تجربی با مفاهیم قرآن کریم در تبیین آیات شریفه قرآن

الیاس مجیدی هفت چشمه^{۲۱}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹

چکیده

قرآن کریم بارها در آیات مختلف به علم و عالمان توجه کرده و بیش از هفتصد بار کلمه «علم» را به اشکال گوناگون به کار برده است و نشانه‌های خدا را در طبیعت به آنان یادآوری کرده است. به این ترتیب زمینه رشد علوم تجربی را فراهم کرده است که از نظر تاریخ تمدن اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. از طرف دیگر رشد علوم تجربی در فهم و تفسیر آیات قرآن تاثیر مثبتی به جای گذاشت تا آن جا که «روش تفسیر علمی» به وجود آمد و در مواردی اعجاز علمی پدیدار گشت. از طرفی گاهی چالش‌هایی بین قرآن و علوم تجربی ادعا شده است که با تعامل در آیات برطرف می‌گردد و تعارض حقیقی بین قرآن و علم نیست. در این مقاله، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی تلاش بر این است که مبانی تعامل علوم تجربی با مفاهیم قرآن کریم در تبیین آیات شریفه ذکر گردد.

کلیدواژه‌گان: قرآن کریم، علوم تجربی، تعارض، قرآن و علم.

تامل علوم تجربی با مفاهیم قرآن کریم در تبیین حکمت شریفه قرآن

^{۲۱}. دانش پژوه سطوح عالی حوزه علمیه قم، دانش پژوه کارشناسی ارشد مدرسی قرآن و حدیث، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی

مفهوم لغوی «علم» دانستن و دانش است. ولی «علم» معانی اصطلاحی مختلفی دارد که در ذیل اشارات مختصری به آن می‌کنیم تا مقصود خود را از آن روشن سازیم:

- ۱) اعتقاد یقینی مطابق با واقع، مقابل جهل بسیط و مرکب.
- ۲) مجموعه قضایایی که بین آن‌ها مناسبتی در نظر گرفته شود، هر چند قضایای شخصی و خاص باشد، مثل علم تاریخ، علم رجال و ...
- ۳) مجموعه قضایای کلی حقیقی که دارای محور خاص باشد، مثل الهیات و مابعد الطبیعه.
- ۴) مجموعه قضایای کلی که دارای محور خاص باشد و هر یک از آنها قابل صدق و انطباق بر مصادیق متعدد می‌باشد، هر چند اعتباری و قرار دادی باشد، مثل علم لغت دستور زبان.
- ۵) علم در روایات اسلامی در معانی دیگری مانند «نور» نیز بکار برده شده است.
- ۶) مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد.

که در این نوشتار مقصود از علوم تجربی همان مورد ششم، یعنی قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات است، می‌باشد.

کاربردهای علم در قرآن

الف: علم به معنای خاص یعنی «الهیات»

قرآن هدف خلقت جهان را آگاهی از «علم و قدرت» معرفی می‌کند (طلاق/۲) یعنی آگاهی از صفات خداوند را به عنوان علم اعلی و هدف آفرینش می‌داند.

در برخی آیات قرآن نیز از علم «لدنی» سخن گفته شده است، یعنی دانشی که خدا به انسان می‌آموزد (کهف/۶۵).

ب: علم به معنای عام

قرآن کریم می‌فرماید: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرنند» (زمر/۹).

مقصود از «علم» در این آیه مطلق علم و دانش است که همه اقسام علم را که مفید است، شامل می‌شود (آیت الله مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ص ۳۹۳).

و در آیه دیگری می‌فرماید: «خدا کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی را که به آنان دانش داده شده، به رتبه های بالایی می‌برد» (مجادله/۱۱).

در این آیه «ایمان و علم» به عنوان دو معیار جدا از هم برای برتری افراد شمرده شده است. از این روشن می شود که خود «علم» موجب فضیلت افراد است و مقید به الهیات نشده، پس مطلق است و شامل همه دانشمندان می شود (علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ۱۳۷۹: ج ۱۱، ص ۲۱۶).

مبانی تعامل قرآن با علوم تجربی

الف. اهداف اصلی و فرعی آیات قرآن

اهداف قرآن را می توان از خود آیات قرآن اخذ کرد، که گاهی هدف نزول قرآن را خارج کردن مردم از تاریکی ها به سوی نور معرفی می کند (ابراهیم/۱) و گاهی هدفش را هدایت معرفی می کند (نحل/۸۹ و بقره/۹۷).

به نظر می رسد هدف اصلی قرآن هدایت به سوی خداوند می باشد که همان خارج کردن مردم از تاریکی های جهل و گمراهی به سوی نور الهی توحید و علم است که هشدار دهی و رحمت الهی و داوری زمسنة ساز خروج و حرکت در مسیر هدایت می باشد (بقره/۲۱۳).

اما در مورد آیات علمی قرآن چند هدف آورده شده است:

اول: اشارات علمی قرآن به کیهان، طبیعت و ... نشانه های الهی است و در راستای شناخت معنا پیدا می کند. از این رو در سوره رعد بعد از اینکه به گستردگی کوه ها و زمین و میوه ها و زوجیت و حرکت شب و روز اشاره می کند، آن ها را نشانه هایی برای متفکران معرفی می کند و در ادامه از قطعات زمین و باغ های میوه یاد کرده و آن ها را نشانه هایی برای خرد ورزان معرفی می کند (رعد/۳-۴)

دوم: اشارات علمی قرآن نشانه هایی در راستای معاد و درک بهتر رستاخیز می باشد.

در سوره حج اشاره علمی به مراحل خلقت انسان را با این سخن آغاز می کند: «ای مردم؛ اگر در مورد روز رستاخیز شک دارید، پس ما شما را از خاک آفریدیم سپس از نطفه ...» (حج/۵).

سوم: اشارات علمی قرآن زمینه تفکر، تعقل و یاد آوری انسان می باشد. همانطور که از نتایج آن نیز است (ر. ک: رعد/۲-۳)

بنابراین از این مطلب روشن می شود که هدف اصلی قرآن «هدایت» انسان است و آیات علمی نیز همان هدف اصلی را دنبال می کند، یعنی فکر انسان را به توحید جلب می کند تا هدایت شود. ولی اهداف فرعی همچون انگیزش تفکر و تعقل، برای آیات علمی قابل تصور است.

به همین علت برخی صاحب نظران آورده اند که: «در قرآن بحث درباره طبیعت، جهان و انسان به طور

تطفلی (حاشیه ای) به میان آمد است» (مصباح یزدی، معارف قرآن، ۱۳۷۳: ص ۲۲۵-۲۲۸).

به عبارتی قرآن کتاب فیزیک، زمین شناسی و یا کیهان شناسی نیست، بلکه قرآن کتابی است انسان ساز و نازل شده تا آنچه را که انسان در تقرب به خدای متعال احتیاج دارد به او آموزش دهد، لذا آیات مربوط به کیهان و جهان در هیچ زمینه هیچ وقت در مورد موجودات، به بحث های تفصیلی نپرداخته، بلکه به همان میزان که هدف قرآن در هدایت مردم تامین شده، اکتفا کرده است (همان، ص ۲۲۵-۲۲۸).

البته نمی توان مطالب علمی قرآن را در حد مثال های ساده پایین آورد؛ چرا که اشارات علمی قرآن همانطور که زمینه ساز خدانشناسی و معادشناسی است، در برخی موارد به گزاره های علمی هم اشاره دارد که اعجاز علمی قرآن را اثبات می کند و زمینه ساز پیشرفت علوم را فراهم می کند.

ب: قلمرو علوم تجربی در قرآن

در مورد اینکه همه علوم بشری در قرآن وجود دارد، سه دیدگاه وجود دارد که بصورت مختصر به آنها اشاره کرده و دلایل آنها را مورد بررسی قرار می دهیم: (مجله معارف، ۱۳۸۳).

دیدگاه اول: همه علوم بشری در قرآن وجود دارد:

اولین بار این اندیشه را ابو حامد غزالی (م ۵۰۵ق) در کتاب «احیاء العلوم» و «جواهرالقرآن» مطرح کرده و می نویسد: «پس علوم، همه آنها در افعال و صفات خدا داخل است و خداوند در قرآن، افعال ذات و صفاتش را توضیح می دهد و این علوم بی نهایت است و در قرآن به اصول و کلیات آنها اشاره شده است.» (ابوحامد غزالی، احیاء العلوم، ۱۴۰۲ق: ج ۱، ص ۲۸۹)

بعد ابوالفضل المرسی (۶۵۵-۵۷۰ق) در کتاب تفسیر خود این دیدگاه را بصورت افراطی قبول می کند و می گوید: «همه علوم اولین و آخرین در قرآن وجود دارد» (محمدحسین ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۹۷۶م: ج ۲، ص ۴۷۵-۴۸۲)

آنگاه بدرالدین زرکسی (م ۷۶۴ق) در «البرهان» این نظریه را می پذیرد (محمد عبدالله بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۱۸۱).

و پس از او جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ق) در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» و «الاکلیل فی استنباط التنزیل» دیدگاه غزالی و المرسی را پذیرفته و تقویت می کند (جلال الدین عبدالرحمان ابی بکر، الاکلیل فی استنباط التنزیل، ص ۲ و الاتقان، ۱۰۵ق: ج ۲، ص ۲۷۱-۲۸۲).

در عصر جدید و با پیشرفت علوم این دیدگاه بیشتر تقویت شد و کسانی مانند طنطاوی جوهری (۱۸۶۲ م) در تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن» تلاش کرد تا بسیاری از علوم جدید را به قرآن نسبت دهد.

و تازه ترین رغبت به این نظریه از طرف رضا نیازمند (۱۳۷۵ش) آشکار شد و در مقاله‌ای نوشت: کسی که قرآن را قبول داشته باشد، باید قبول کند که مطالب آن شامل کلیه علوم می باشد و در آن هر چیز بر اساس دانش تفصیل داده شده است.

دلایل دیدگاه اول

۱. ظواهر برخی آیات دلالت بر این دارد که همه چیز در قرآن وجود دارد. مثل: (نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء). (نحل/۸۹).

۲. آیاتی که به علوم مختلف اشاره دارد. مثل: (کفی بنا حاسبین) (انبیاء/۴۷) و (رفیع الدرجات) (غافر/۱۵)

۳. روایاتی که دلالت دارند بر اینکه همه علوم در قرآن کریم وجود دارد. مثل: از امام باقر روایت شده که فرمودند: «خداوند تبارک و تعالی هیچ چیزی را که مسلمانان به آن احتیاج باشند، فرو گذار نکرده است مگر آنکه آن ها را در قرآن، نازل فرمود و برای پیامبر صل الله علیه و آله و سلم بیان کرده است» (عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۷۴).

دیدگاه دوم:

قرآن فقط کتاب دین و هدایت می باشد و برای بیان مسائل علوم تجربی نیست. از سخنان برخی صاحب نظران و مفسران این دیدگاه را می توان استفاده کرد. ابو اسحاق شاطبی (م ۷۹۰ق) می گوید: «قرآن برای بیان احکام آخرت و مسائل جنسی آن آمده است» (ابو اسحاق الشاطبی، الموافقات فی اصول الشریعه، ۱۴۲۳ق: ج ۲، ص ۷۶-۷۹).

زمخشری و طبرسی در تفاسیر خود می نویسند: «منظور از بیان همه چیز در قرآن، مسائل مربوط به هدایت و دین است» (زمخشری، الکشاف عن حقائق، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۶۲۸؛ ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان، ۱۳۹۵ق: ج ۴، ص ۲۸۹).

دلایل این دیدگاه همرا دیدگاه سوم بیان می شود.

دیدگاه سوم:

از طرفی قرآن کریم دعوت به تفکر و علم می کند و با بیان برخی از مطالب علمی صحیح بیانگر اعجاز علمی قرآن است. و از طرفی در ظاهر قرآن همه علوم بشری وجود ندارد و هدف اساسی قرآن نیز هدایت بشر به سوی خداست.

دلایل و شواهد

دلایل این دیدگاه را همراه با رد دلایل دیدگاه اول می آوریم:

۱. ضرورتی ندارد که قرآن، همه مسائل علوم تجربی، عقلی و نقلی را با تفصیلاتش بیان کند؛ چرا که قرآن، کتاب هدایت، تربیت و دین است تا انسان ها را به سوی خداشناسی هدایت کند. این مطلب مورد تاکید مفسران قدیمی و صاحب نظران معاصر می باشد.
۲. ظهور آیاتی که می فرماید: «در قرآن همه چیز است» قابل اخذ نیست؛ چرا که:
 - اولا: این ظهور خلاف بداهت است.
 - ثانیا: ظهور این آیات مورد انکار برخی از مفسران واقع شده.
 - ثالثا: ای آیات با دلیل عقلی تخصیص می خورد و محدود می شود.
۳. آیاتی که اشاره به علوم طبیعی دارد، هدف آن کشف فرمولهای هندسه و شیمی و .. نیست؛ بکه این اشارات بطور حاشیه ای این مباحث را مطرح کرده است.
۴. مساله باطن قرآن و علم ائمه اهلیم السلام خرج از بحث ما است؛ چون موضوع بحث در اینجا اینست که آیا همه علوم بشری را می توان از ظواهر قرآن استخراج کرد یا نه؟

نتیجه: بر این اساس و آنچه که بیان کردیم نتیجه این شد که، ظاهر آیات قرآن بر تمام علوم بشری دلالت نمی کند. آری در قرآن، اشاراتی به بعضی علوم شده است که استطرادی است ولی همه علوم بالفعل در قرآن مذکور نیست و آیاتی که در این مورد می باشد، دلالت بر این دارد که تمام احتیاجات دینی و هدایتی مردم، در قرآن به صورت تفصیل و مجمل ذکر شده است (رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۱۳۶۵).

ج: قطعیت و عدم قطعیت علوم تجربی

علوم تجربی از آن جا که بر شیوه روش تجربی پایه گذاری شده، مبتنی بر آزمایش و خطا می باشد؛ اما مشکل از آن جا پدیدار شد که در آزمایشات علوم تجربی، معمولا استقراء کامل ناممکن بود و در نتیجه علم تجربی قطعی و یقینی - جز در موارد شاذ - پدیدار نمی شد تا بتواند احتمال طرف مقابل را به صفر برساند. به عبارتی مشاهده امور و طبقه بندی اطلاعات و ارایه تجربه وقتی منتهی به تشکیل «قانون» می شود که از مرحله اولیه استقرائی عبور کند و این سخن مبتنی بر تعمیم نتایج آزمایشات و از موارد رسیدن جزئی به کلی می باشد. یعنی موقعی که موارد جزئی و محدودی را می بینیم و در اموری که نمی بینیم، دآوری کنیم و حکم کلی حتی برای آینده نمایان کنیم (صدر، الاسباس المنطقیه للاستقراء، ۱۴۰۲ق: ص ۲۵-۲۷).

در ادامه تلاش هایی توسط فیلسوفان و دانشمندان تجربی صورت گرفت تا مشکل «استقراء ناقص» را حل کنند؛ تا اینکه دانشمند انگلیسی جدول مشهور خود را پیشنهاد کرد (سیاسی، مبانی فلسفه، ۱۳۳۶: ص ۲۱۰ -

(۲۴۴). سپس استورات میل نظر او را کامل کرد، (همان) و بعد راهکارهای مختلفی مانند پایه گذاری استقراء بر مبدا سبب کافی (همان، ص ۲۴۴)، استقراء ناقص در مشهودات مبتنی بر تعلیل، استقراء مبتنی بر حکم بدیهی عقل، استقراء مبتنی بر مماثلت کامل جزئیات (مظفر، المنطق، ۱۴۰۲ق: ص ۲۶۴) و استقراء مبتنی بر حساب احتمالات (صدر، الاسس المنطقیه للاستقراء، ۱۴۰۲ق: ص ۱۳۵ و ۳۸۳-۴۰۰) پیشنهاد گردید، که هیچ یک نتوانست مشکل استقراء ناقص را حل کند.

سپس کارل پوپر فیلسوف معاصر اشکالات دیگری به شیوه سنتی نتیجه گیری در علوم تجربی کرد و آن را که مخالف روانشناسی کشف و ابداع دانست و تصریح کرد که هزاران قضیه شخصی نمی تواند نتیجه کلی بدهد و به قانون تبدیل شود، پس استقراء حجت نمی باشد. بنابر این دیدگاه، «قانون» در علوم تجربی وجود ندارد؛ بلکه علم نظریه هایی است که قدرت تبیین و پیش بینی پدیده ها را دارد و به اصطلاح افسانه مفید هستند (پوپر، حدس ها و ابطال ها، ۱۳۶۸).

ایان باربور فیزیک دان آمریکایی با مطرح کردن مشکلات متعدد در مورد داده های علوم تجربی می نویسد: «برخی پژوهشگران بر آن هستند که نظریه های علمی، المثالی واقعیت نیستند، بلکه ساخته و پرداخته ذهن یا افسانه های مفید هستند که به کار همارایی داد ها و یافته های آزمایش می آیند (ایان باربور، علم و دین، ۱۳۶۲: ص ۲۱۳-۲۱۴).

از این رو علوم تجربی منجر به یقین مطابق با واقع نمی شود. مگر در موارد خاص که عامل بیرونی به کمک یافته های علوم تجربی بیاید؛ مثلاً یافته علوم تجربی به بدهات حسی برسد مثل نیروی جاذبه، و یا دلیل قطعی همچون برهان عقلی آن را تایید کند (رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۱۳۶۵: ص ۲۰۵ و ۳۹۸)

د: رابطه قرآن و علوم تجربی

بر اساس حصر عقلی چهار احتمال در این مورد وجود دارد:

۱. قرآن کریم از علوم تجربی جدا نیست و رابطه خصمانه نیز با علوم ندارد؛ بلکه دانشمندان را تشویق می کند و در بیش از هزار آیه به مطالب علمی طبیعت و انسان اشاره کرده است (الحبال، العلوم فی القرآن، ۱۹۹۸م: ص ۳۵-۳۶).

۲. قرآن کریم با آموزه های علوم تجربی تعارض ندارد؛ بلکه زمینه های گسترش علوم تجربی را فراهم ساخته و اگر در موردی هم ادعا یا توهم تعارض ظاهری بین علم و قرآن باشد با تفکر و تامل در آیات، تعارض برطرف می شود (رضایی اصفهانی، تعامل قرآن و علم، ۱۳۶۵: ص ۴۹).

۳. قرآن کریم و علوم تجربی بر مبنای وجود همه علوم بشری در قرآن کریم با توجه به آیه (نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء) تداخل دارند، ولی این دیدگاه در مباحث گذشته رد شد و توضیح دادیم که قرآن بیان کننده هر چیزی است که در راستای هدف قرآن یعنی هدایت باشد، و وجود همه علوم در ظاهر قرآن ثابت نمی شود، چون این مطلب مخالف بداهت است.

۴. با باطل شدن سه احتمال فوق، احتمال چهارم یعنی رابطه سازگارانه بین قرآن کریم و علوم تجربی ثابت می شود، چرا که تقسیم فوق حصر عقلی داشت؛ چون بر مبنای اثبات و نفی پایه گذاری شده بود. آری از طرفی علوم تجربی در فهم و تفسیر آیات قرآن نقش مثبت دارند و گاهی تطابق قرآن و علوم جدید باعث اثبات اعجاز علمی قرآن می شود. و از طرفی قرآن موبد و مشوق همه دانش های بشری است؛ بلکه خود عامل پیدایش و رشد برخی علوم شده است/

ه: تعارضات ادعایی بین قرآن و علم

تعارض ادعایی بین علم و قرآن زیر مجموعه مبحث گسترده علم و دین است. برخی از صاحب نظران معتقدند تعارض واقعی بین علم و قرآن ناممکن است (ر. ک، سبحانی، جعفر، مجله تخصصی کلام، ش ۱، ص ۷). و آنچه را که به عنوان تعارض علم و دین مطرح می شود را، توهم تعارض یا تعارض ابتدایی و ظاهری می دانند که با تامل و دقت در علم و دین بر طرف می شود (رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۱۳۶۵: ص ۲۲۹ و ۳۹۱). و برخی صاحب نظران بر این عقیده اند که: «در قرآن هرگز چیزی که مخالف عقل و منطق باشد، وجود ندارد. و اگر موضوعی به این روش به اثبات رسیده و قطعی می باشد، مسلم قرآن، موافق آن است» (مشکینی، تکامل در قرآن، بی تا: ص ۲۵).

توضیح اینکه تعارض واقعی قرآن و علم منتهی به تناقض می شود، چون فرض آن است که در هر دو گزاره قطعی و مطابق با واقع وجود دارد و یکی می گوید: الف ب است، و دیگری می گوید: الف ب نیست. در حالی که در خارج و حقیقت یکی از این واقع شده است. پس برای رفع تناقض باید بین اثبات و نفی این گزاره یکی را انتخاب کرد. از این رو برخی مفسران بر آنند که: «هرگز تعارض علم و دین ممکن نیست و یکی از دو طرف قضیه سست و بی پایه است، یا اینکه علم حالت قطعی ندارد، یا آنچه را دین نامیده ایم دین نیست (سبحانی، جعفر، مجله کلام، ۱۳۷۱: ص ۷).

برخی صاحب نظران مسلمان و مفسران نیز تلاش هایی برای حل تعارض علم و دین کرده اند، برخی به راه حل پافشاری بر ظاهر آیه و سکوت و صبر اشاره کرده اند، از جمله: لطف الله صافی گلپایگانی (صافی گلپایگانی، به سوی آفریدگار، ۱۳۷۰: ص ۸۵ به بعد) و محمد تقی مصباح یزدی که می نویسد: «اگر مفاد آیه ای

طبق اصول محاوره‌ف بر نظریه ای منطبق بود چه بهتر، بلکه تا هر جا مطابقتی به طور روشن از قرآن فهمیده می شود پذیریم و نسبت به فرا سوی آن سکوت کنیم» (مصباح یزدی، معارف قرآن، ۱۳۷۳: ص ۲۲۹).

شیوه های برداشت علمی از قرآن

الف: استخراج همه علوم از قرآن کریم

طرفداران اصیل تفسیر علمی؛ مانند: ابن ابی الفضل المرسی، غزالی و ... تلاش کرده اند تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند؛ چرا که عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد و آیاتی را که ظواهر آن ها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می کردند و هر گاه ظواهر قرآن کفایت نمی کرد، به تاویل دست می زدند و ظواهر آیات را به علوم و نظریاتی که در نظر داشتند، باز می گرداندند و از این طریق بود که علم حساب، پزشکی، هندسه، جبر، مقابله و جدول را از قرآن استخراج می کردند. مانند: از آیه شریفه (و اذا مرضت فهو یشفین) (شعرا/ ۸۰) ابراهیم نقل می کند که: وقتی من بیمار شدم، اوست که شفا می دهد، علم پزشکی را استخراج کردند (غزالی، جواهر القرآن، ۱۴۰۲ق: ص ۲۷) و از حروف مقطعه در اول سوره ها، علم جبر را استخراج کردند (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۹۷۶م، ج ۲، ص ۴۸۱) و زمین لرزه ۷۰۲ هجری قمری را از آیه (اذا زلزلت الارض زلزالها) پیش بینی کردند (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰ق: ج ۲، صص ۱۸۱- ۱۸۲).

آشکار می شود که این نوع تفسیر علمی، منجر به تاویلات زیاد در قرآن، بدون رعایت ظاهر، قواعد ادبی و معانی لغوی آن ها می شود؛ به همین علت بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی مجاز گویی و تاویل دانسته اند (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۹۷۶م: ج ۲، صص ۴۵۴ - ۴۹۵).

ب: تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم

در این روش از تفسیر علمی بسیاری از افراد با قطعی پنداشتن نظریات علوم تجربی کوشیده اند تا آیاتی موافق آن ها در قرآن پیدا کنند و هر گاه آیه ای موافق با آن پیدا نمی کردند، دست به تاویل یا تفسیر به رای نموده و آیات را بر خلاف معنای ظاهری حمل میکردند. مثال این نوع تفسیر را در تفسیر آیه ۱۸۹ سوره اعراف از عبدالرزاق نوفل بیان می کنیم که در آن «نفس» را، به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنا کرده و گفتند: منظور قرآن، این است که همه شما را از الکترون و پروتون که اجزای مثبت و منفی اتم است، آفریدیم (نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ۱۳۹۳ق: ص ۴۵۶).

این نوع تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، در ایران و مصر رایج شد و باعث بدبینی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق تفسیر علمی شد و یک تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رای و تحمیل عقاید و نظریات بر قرآن طرد کردند، همچنان که علامه طباطبایی، تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد (طباطبایی، مقدمه ی تفسیر المیزان،

۱۳۷۹: ج ۱، ص ۶). البته در این نوع تفسیر، حق با مخالفان می باشد؛ چرا که هنگام تفسیر باید از هر گونه پیش داوری خالی باشد، تا تفسیر صحیحی را انجام دهد.

ج: استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این روش، مفسر با دارا بودن شرایط و با رعایت قواعد و ضوابط تفسیر معتبر، به تفسیر علمی قرآن اقدام می کند. یعنی سعی می کند که با استفاده از مطالب قطعی علوم، که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می شود و با ظواهر آیات قرآن موافق است، به تفسیر علمی پرداخته و معانی مجهول قرآن را کشف کرده و در اختیار انسان های جویای حقیقت قرار دهد. این روش از تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه صحیح ترین تفسیر علمی می باشد.

در این شیوه از تفسیر، باید از هر گونه تاویل و تفسیر به رای پرهیز کرد و تنها به صورت احتمالی از مقصود آن سخن گفت؛ چرا که علوم تجربی بخاطر استقرای ناقص کمتر می تواند مطلب علمی قطعی بیان کند. برای مثال، آیه (الشمس تجری لمستقر لها) (یس/۳۸) «خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد». این آیه در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم حرکت روزمره خورشید را می دانستند؛ به همین علت از این آیه، همین حرکت را می فهمیدند، در حالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کذب است؛ چرا که خطای حس باصره ما است و در حقیقت، زمین در حال حرکت است نه خورشید. از اینرو خورشید را در حال حرکت می بینیم که با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، آشکار شد که خورشید هم، دارای حرکت انتقالی است نه حرکت کاذب و واقعی. بلکه روشن شد تمام منظومه های شمسی و حتی کهکشان راه شیری نیز در حرکت است. و ظاهر آیه قرآن که می گوید خورشید در حال جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی خورشید می باشد. (اریک- اوبلاکر، فیزیک نوین، ۱۳۷۰: صص ۴۵-۴۸).

د: نظریه پردازهای علمی قرآن و جهت دهی به مبانی علوم

اول: نظریه پردازهای علمی قرآنی: برخی از آیات علمی قرآن مطالبی در بیان می کند که هنوز علم به آن ها دسترسی پیدا نکرده است و هر چند از نظر علوم تجربی به اثبات نرسیده، اما دلیلی نیز برای نفی آن مطلب قرآن نداریم و از آن جا که در صحیح بودن مطلب قرآنی شکی نیست؛ چرا که وحی نوعی دانش قطعی و از سرچشمه الهی است هر چند برای اثبات آن فعلا شواهد تجربی نداریم و ممکن است برخی پیشگویی های قرآن در آینده اثبات شود، مثل نیروی جاذبه طبق آیه ۲ سوره رعد و ۱۰ سوره لقمان.

مثال ها:

۱. نظریه وجود موجودات زنده در آسمان ها: این نظریه در آیه ۲۹ سوره شوری استفاده می شود که می فرماید: (و من آیاته خلق السماوات و الارض و ما بث فیهما من دابه)؛ «وازنشانه های اوست، آفرینش آسمان ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آن ها منتشر ساخته است». درسته برخی نشانه های کیهان شناختی برای وجود موجودات زنده در کرات دور دست ادعا شده است اما دانشمندان کیهان شناخت هنوز نظریه قطعی در این مورد ابراز نکرده اند و چیزی ثابت نشده است؛ ولی این مطلب می تواند ب عنوان یک نظریه علمی قرآنی، مبنای تحقیقات تجربی کیهان شناختی قرار گیرد (طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، بی تا؛ خطیب، قرآن و علم امروز، ۱۳۶۲).

۲. نظریه گسترش آسمان ها: این نظریه در آیه ۴۷ سوره ذاریات استفاده می شود که می فرماید: (و السماء بئیناها باید و انا لمو سعون)؛ «و ما آسمان را با دست (قدرت) بنا کردیم و همواره آن را گسترش می دهیم». دو دیدگاه در مورد آسمان ها در مباحث علمی فیزیک کیهانی وجود دارد که یکی دیدگاه انقباض جهان و دیگری دیدگاه انبساط جهان (استفن هاو کینگف، تاریخچه زمان، ۱۳۷۵: ص ۵۸) و برای هر کدام شواهدی مطرح شده ولی اثبات نشده است. از آیه زیر دیدگاه انبساط جهان قابل برداشت و می تواند ب عنوان یک نظریه علمی قرآنی، مبنای تحقیقات کیهان شناسی قرار گیرد (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز قرآن، ۱۳۸۰).

۳. نظریه هفت آسمان: این نظریه در برخی آیات قرآن، از جمله در سوره بقره/۲۹، اسراء/ ۴۴، مومنون/ ۱۷ و ۱۸، فصلت/ ۱۲، طلاق/ ۱۲، نوح/ ۱۵ استفاده می شود. در حالی که علوم کیهان شناسی از یک آسمان با هزار کهکشان و ستاره و سیاره سخن می گویند و در مورد آسمان های دیگر سکوت می کنند. چون وسایل ستاره شناسی و سفرهای فضایی توانایی کشف آن را ندارد؛ قرآن کریم مساله هفت آسمان را بصورت قطعی مطرح کرده است و این نیز می تواند ب عنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای مطالعات کیهان شناختی وسیعی قرار گیرد (مرادی، رازهای آسمان های هفت گانه، ۱۳۷۳؛ رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱۳۸۰).

۴. نظریه آفرینش مستقیم انسان از خاک: این نظریه در برخی آیات قرآن، از جمله در سوره انعام/ ۹۸، آل عمران/ ۵۹، الرحمن/ ۱۴ استفاده می شود و سال هاست که نظریه تکامل توسط لامارک و داروین ایجاد شده که قائل به، به وجود آمدن انسان از نسل حیوانات قبلی است. معمولاً مفسران از بین این دو دیدگاه یکی را نفی کرده و دیگری را انتخاب می کنند. ولی نظریه سومی را می توان در جمع این دو دیدگاه مطرح کرد، که تکامل زیستی در موجودات پذیرفتنی است و حتی امکان دارد انسانی هایی از نسل میمون به وجود آمده باشد ولی بعداً منقرض شده باشند ولی حضرت آدم به عنوان پدر بشر فعلی به صورت استثنایی از خاک به طور مستقیم آفریده

شده است. این نظریه نیز می‌تواند به عنوان به نظریه علمی قرآنی مبنای پژوهش‌های زیست‌شناسی باشد (مشکینی، تکامل در قرآن، بی تا).

دوم: نظریه پردازی‌های قرآن در زمینه علوم انسانی، مثل مبانی و اصول اقتصاد در قرآن، مبانی مدیریت در قرآن، مبانی اصول علوم تربیتی در قرآن و مبانی سیاست در قرآن، که اگر این موارد به خوبی مورد توجه و کاوش قرار بگیرد، می‌تواند انقلابی در جهان علوم انسانی پدید آورد و به سلطه جهانی غرب بر شرق پایان بخشد.

برای نمونه از آیات قرآن استفاده می‌شود، که خدا سر چشمه همه موجودات و منتهای سیر همه موجودات است (انا لله و انا الیه راجعون)، (بقره/۱۵۶). در حالی که مبنای علوم انسانی جدید، انسان محوری است که این مطلب در علوم انسانی به ویژه علوم سیاسی و علوم تربیتی تاثیر بسیاری دارد که جهت خاصی به آن‌ها می‌دهد. در اقتصاد نیز مبنای اقتصاد بدون ربا بنیان شده است در حالی که اقتصاد غرب بر اساس سیستم ربا شکل گرفته است، اگر این بانکداری بر مبنای قرآنی جاری شود به سیستم جدیدی رهنمون می‌شویم. علوم سیاسی جدید در غرب بر اساس سکولاریسم بنا شده است در حالی که سیاست در قرآن بر مبنای دخالت دین در سیاست بنیان شده است؛ از این رو بسیاری از آیات قرآن مسائل حکومتی و اصول سیاست خارجی و قوانین صلح و جنگ و ... را بیان میکنند. و همچنین لزوم رعایت مبانی اخلاقی و فقرزدایی در مدیریت و توجه به بعد روحانی انسان علاوه بر بعد جسمانی در روانشناسی و ... (رضایی اصفهانی، تعامل قرآن و علوم، ۱۳۹۲: ص ۸۸).

نتیجه‌گیری

سؤال اصلی که در این مقاله مطرح شد این بود که تعامل علوم تجربی با مفاهیم قرآن کریم در تبیین آیات شریفه چگونه است؟ برای اینکه نتیجه این نوشتار درست تبیین و جمع‌بندی شده باشد، لازم می‌بینم نکته‌ای را متذکر شوم و آن اینکه آیا قرآن با علوم جدید تعامل دارد، این بحث برمی‌گردد به چگونگی تعامل دین با علوم جدید ولی تحقیق حاضر بحث اصل ارتباط علوم جدید با قرآن نمی‌کند؛ بلکه بحث چگونگی تعامل علوم تجربی با مفاهیم قرآن دارد که این تعامل چگونه است؟ که ما اول مبانی تعامل قرآن با علوم تجربی را ذکر کردیم که عبارت‌اند از:

۱. اهداف اصلی و فرعی آیات قرآن که گفتیم هدف اصلی آیات قرآن «هدایت» هست.
۲. قلمرو علوم تجربی در قرآن که مشخص شد ظاهر آیات قرآن بر تمام علوم بشری دلالت ندارد.
۳. قطعیت و عدم قطعیت علوم تجربی که ذکر کردیم که علوم تجربی یقین مطابق با واقع به ارمغان نمی‌آورد مگر در موارد خاص که عامل بیرونی به کمک یافته‌های علوم تجربی بیاید.

۴. رابطه قرآن با علوم تجربی که با باطل شدن سه احتمال جدایی، تداخل و تعارض قرآن و علم احتمال سازگاری بین قرآن و علم ثابت می‌شود.

۵. تعارضات ادعایی بین قرآن و علم که مشخص شد تعارض واقعی بین علم و دین ممکن نیست و آنچه به عنوان تعارض مطرح می‌شود توهم تعارض یا تعارض ابتدایی و ظاهری است که با تأمل و تفکر برطرف می‌شود.

و از طرفی تعامل قرآن و علوم تجربی سبب رویش تفسیر علمی قرآن گردید و باعث پیدایش رویکردهای بسیاری از جمله: استخراج علوم از قرآن، تطبیق علم بر قرآن، استخدام علوم در فهم قرآن و نظریه‌پردازهای علمی قرآن شد. روش تفسیر علمی موافقان و مخالفان بسیاری دارد و گاهی منجر به افراط و تفریط شده است که با توجه به مباحث ذکر شده شیوه معتدل روش تفسیر علمی یعنی استخدام علوم در فهم قرآن و شیوه‌های جدید آن، یعنی نظریه‌پردازی‌های علمی بر اساس آیات قرآن به‌ویژه در حوزه علوم انسانی دفاع شد و شیوه‌های دیگر مثل استخراج همه علوم تجربی از قرآن یا تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن رد شد.

فهرست منابع

۱. اریک او بلکر، «فیزیک نوین»، ترجمه بهروز بیضایی، نشر قدیانی، بی‌جا، ۱۳۷۰.
۲. از خطیب، عبدالغنی، «قرآن و علم امروز»، ترجمه مبشری، اسدالله، چ ۱، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲.
۳. استفن ویلیام هاو کینگ، «تاریخچه زمان»، ترجمه حبیب‌الله دادفرما، نشر کیهان، تهران، ۱۳۷۵.
۴. ایان باربور، «علم و دین»، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۵. پویر، کارل ریموند، «حدس‌ها و ابطال‌ها»، ترجمه احمد آرام، انتشار، تهران، ۱۳۶۸.
۶. ذهبی، محمدحسین، «التفسیر المفسرون»، چ ۲، دارالکتاب الحدیث، ۱۹۷۶ م.
۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «در آمدی بر تفسیر علمی قرآن»، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۶۵.
۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن»، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰.

۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «تعامل قرآن و علوم»، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۹۲.
۱۰. زرکشی، بدرالدین محمد عبدالله، «البرهان فی علوم القرآن»، دار المعرف، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر، «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، نشر دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۲. سبحانی، جعفر، مجله تخصصی کلام، ش ۱، بهار ۱۳۷۱ ش.
۱۳. سیاسی، علی اکبر، «مبانی فلسفه»، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.
۱۴. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن ابی بکر، «الاکلیل فی استنباط التنزیل»، ۱۰۵ق.
۱۵. سیوطی، «الاتقان فی علوم القرآن»، دارالفکر، بیروت - لبنان، ۱۴۱۶ - ۱۹۹۶م.
۱۶. شاطبی، ابو سحاق، «الموافقات فی اصول الشریعه»، المكتبه العصریه، بیروت، ۱۴۲۳ق / ۲۰۰۳م.
۱۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، «به‌سوی آفریدگار»، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۰.
۱۸. صدر، ال‌اسس المنطقیه للاستقراء، «دار المتعارف للمطبوعات الطبعه الرابعه»، بیروت، ۱۴۰۲ق.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین، «تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۳، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۹.
۲۰. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، «تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، المكتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق.
۲۱. طنطاوی جوهری، «الجواهر فی تفسیر القرآن»، دارالفکر، بی تا.
۲۲. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، «تفسیر نور الثقلین»، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
۲۳. غزالی، ابو حامد، «احیاء العلوم»، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۲ق.
۲۴. مظفر، محمدرضا، «المنطق»، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۲ق - ۱۹۸۲م.
۲۵. محمد جمیل الحبال، مقداد المرعی الجواری، «العلوم فی القرآن»، ج ۱، دار النفاس، بیروت، ۱۴۱۸ هـ ۱۹۹۸م.
۲۶. مشکینی اردبیلی، آیه اله علی، «تکامل در قرآن»، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، بی تا.

۲۷. مرادی، ایمان، «راز آسمان‌های هفت‌گانه»، معاونت فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۳.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، «معارف قرآن»، مؤسسه در راه حق، قم، ۱۳۷۳.

۳۰. نوفل عبدالرزاق، «القرآن و العلم الحدیث»، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۳۹۳ق.

۳۱. مجله معارف، پرسمان؛ آیا همه علوم بشری در قرآن وجود دارد؟، ش ۱۳، ۱۳۸۳.